جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

۵

شنبه ۷ خرداد ۱۴۰۱ شماره ۶۲۲۳

نگاه

رئیس رسانه ملی در آیین پایانی جشنواره رادیویی پژواک مطرح کرد

آغاز دوره جدید مستندسازی در رادیو

اختتامیه نخستین جشنواره ملی مستند رادیویی پژواک با حضور دکتر جبلی ریاست سازمان و بخشی‌زاده معاون صدا و جمعی از خانواده شهدا و هنرمندان و مدیران رادیو در تالار خواجه نصیر مرکز همایش‌های صداوسیما برگزار شد. این مراسم که اجرای آن به‌عهده فاطمه آل‌عباس بود...



۶

گفت‌وگوی «جام جم» با بیژن بیرنگ، کارگردان و نویسنده:

«خانه‌سبز» برای مخاطب امروز جواب نمی‌دهد

بیژن بیرنگ، نویسنده و کارگردان خاطره‌ساز تلویزیون است که برخلاف نام فامیلش آثاری که روی آنتن فرستاده پر از رنگ و سرشار از حس لطافت است. او جزو کسانی است که ...



۷

بررسی راهکارهای افزایش مخاطبان تلویزیون در گفت‌وگو با مهران مهام؛

ورود ممنوع برای غیرحرفه‌ای‌ها!



۸

گفت‌وگو با هادی پورعطایی، خنیاگر موسیقی خراسان:

میراث‌دار گنجینه‌ای کهن هستم



۱۱

سلامی برای پیوند نسل‌ها

سرود «سلام فرمانده» تجلی وفاداری نسل قدیم و جدید انقلاب به امام عصر خویش است

۱۲



رستم‌نامه در هفت‌خوان - بازنویسی مصطفی حسینی | تصویر تزئینی

گفت‌وگو با احمد عربلو، نویسنده کتاب‌های مصور

کمیک استریپ ایرانی گنجینه‌ای که هنوز کشف نشده

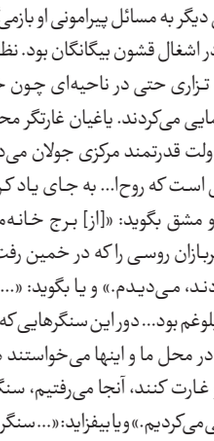
۱۰

داستان یک زندگی

یکی از مدافعان شهر

گزیده‌ای از کتاب الف لام خمینی نوشته هدایت‌ا... بهبودی

بخش نخست



تحصیلات آقا روح‌ا... در خمین، هم در دروس ابتدایی و مقدمات متوقف شد و هم بسیار به درازا کشید. یازده دوازده سال زمان برای رسیدن به اوایل مطول، تعبیری جز درجا زدن ندارد و این در حالی بود که اطرافیانش او را تیزهوش و خوش‌قریحه یافته بودند. سیدمرتضی پسندیده تلویحا به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید که «بیست سال اول عمرشان را در تحصیل ادبیات گذراندند و مدت زیادی به ادبیات پرداختند.» اما از علت آن سخنی به میان نمی‌آورد. اگر بخشی از این علت در روحیات نوجوانی او نهفته بوده باشد، بخشی دیگر به مسائل پیرامونی او بازمی‌گردد. کشور در اشغال قشون بیگانگان بود. نظامیان روسیه تزاری حتی در ناحیه‌ای چون خمین خودنمایی می‌کردند. یاغیان غارتگر محلی در نبود دولت قدرتمند مرکزی جولان می‌دادند. طبیعی است که روح‌ا... به جای یاد کردن از درس و مشق بگوید: «[از] برج خانه‌مان... گاه سربازان روسی را که در خمین رفت‌وآمد می‌کردند، می‌دیدم.» و یا بگوید: «... شاید اوایل بلوغم بود... دور این سنگرهایی که بسته بودند در محل ما و اینها می‌خواستند هجوم کنند و غارت کنند، آنجا می‌رفتیم، سنگرها را سرکشی می‌کردیم.» و یا بیفزاید: «... سنگربندی می‌کردیم. من هم تفنگ داشتم... بچه شانزده هفده ساله... ما سنگر می‌رفتیم و با این اشراری که بودند و حمله می‌کردند [مقابله می‌کردیم]... هرج و مرج بود... نایب حسین [کاشی] و پسرش... حدود ما هم حمله می‌کردند. زلقی‌ها هم حمله می‌کردند. در یک‌دفعه هم آمدند یک محله‌ای از خمین را گرفتند و مردم با آنها معارضه کردند و تفنگ دست گرفتند و ما هم جزء آنها بودیم.» گفته شده روح‌ا... یکی از مدافعان خمین بود و اشعاری حماسی نیز علیه دولت‌های انگلیس و روسیه سروده بود.

جهشی فوق‌العاده

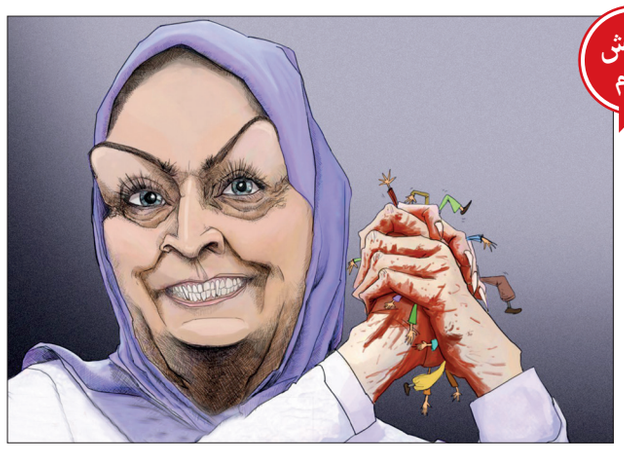
زمانی که آقا روح‌ا... تصمیم به ادامه تحصیل گرفت، تصمیمی که صفحه تازه‌ای در زندگی‌اش گشود، سال ۱۳۳۹ ق بود. مرتضی که همواره امور جاری برادر کوچک‌ترش را رصد می‌کرد، حال و هوای روح‌ا... را برای کسب علم دیگرگون یافت و از آن به «جهش فوق‌العاده» یاد کرد. روح‌ا... ۱۹ ساله که پشت لبش با موهای بور و تنک سبز شده بود، راهی سلطان‌آباد شد؛ جایی که فقیه شهیر زمان، آیت‌ا... حاج‌شیخ عبدالکریم حائری یزدی در آنجا رحل تدریس افکنده بود. هفت سال از استقرار «حاج‌شیخ» در سلطان‌آباد می‌گذشت و آوازه علمی او طلاب بسیاری را به این شهر کشانده بود. آقاروح‌ا... می‌دانست که برای زانوی شاگردی زدن در برابر استاد باید پیش‌درس‌های ناتمام و ناخوانده خود را بیاموزد و سطوح میانی فقه و اصول را پشت‌سر بگذارد. او در مدرسه علمیه سپهدار مستقر شد؛ در حجره‌ای که به‌تازگی دیوارش سفید شده بود. روح‌ا... و صدرالدین، پسرعمه‌اش/ فرزند ملامحمد جواد که با هم از خمین به سلطان‌آباد آمده بودند، هم‌حجره شدند. آقاروح‌ا... از مدرسان خود در این مدرسه چنین یاد کرده است: «نزد شیخ‌محمدعلی بروجردی، مطول؛ نزد آقاشیخ‌محمد گلپایگانی، منطق و نزد مرحوم آقاعباس اراکی، شرح لمعه را خواندم.» در سلطان‌آباد بود که خبر کودتای اسفند ۱۲۹۹ را شنید و گوش خود را برای نیوشیدن پیامدهای آن تیز کرد. روح‌ا... تا سه چهار ماه پس از آمدنش به مدرسه سپهدار شهریه بگیر آیت‌ا... حائری‌یزدی بود تا این‌که شنید هر کس مستحق نیست نگیرد. رئیس حوزه گفته بود شرط دریافت شهریه استحقاق مالی طلبه است. زان پس نگرفت.

عمق میدان

واروَنگی؛ قضاوت علیه عدالت

حاشیه‌های یک دادگاه استکباری

بخش سوم





احمد میراحسان
مستندساز و پژوهشگر
simulacrum

پرسش اصلی این نوشتار، رابطه عدالت و قضاوت است با امری به اسم وانموده، در دنیای کنونی و واقعیت نظام جهانی و نیز علیه انقلاب اسلامی و تمایز و بلکه تضادش است با نسبت ماهوی عدالت و قضاوت، در هستی‌شناسی الهی و اسمایی و ژرف ساخت نظام کنونی حاکم بر ایران؛ همچنین در تناسب و معنای این رابطه است با فرهنگ نمایش و وانمودگی که بر زمینه الحاد و عقل خودبنیان‌گرای مدرنیته توسعه یافته از یک‌سو و ضدیت فرهنگی که از سر چشمه وجودشناسی قرآنی/ اهل البیتی علیهم السلام نوشیده است با قضاوت خلاف عدالت، بنا به معرفت توحیدی ولایت محور و باور به عدل الهی که فضای حیات اجتماعی عدالت و قضاوت را معنا می‌بخشد.

تردیدی نیست بنا به معنای هستی‌شناسی ولایت محور، پاسخ کامل و جامع ناظر به همه بواطن حقیقت را دریرسش این متن، باید از زبان «قرآن صامت برابر ما/ قرآن ناطق برای ما»، دریافت کرد؛ از زبان قرآن گویایی که خداوند آن را از هر رجس و جهل و فهم خطا و محدویت ادراک حق، طهارت بخشیده است. باز روشن است شنیدن آوای معرفت معصومانه برای گوش و هوش محجوب و گرفتار انسانیت و برای حجاب وجودهای غرق در تاریکی و گناهان و عقل ضایع نهاده شده الهی، مقدور نیست زیرا این عقل نوری است که جنود علم، عدالت، تقوا، تزکیه و گریز از خودپرستی، دروغ و فریب از اوست و واجد نیروهای نورانی است و با فکر محاسبه‌گر و کارکرد مغز اسیر حجاب موجودیت محدود بشری و نفسانی، ماهوا متفاوت است و این انسان عاقل، عامل و دارای ایمان و روح پاک است که صلاحیت دیدار و ظرفیت گفت‌وشنود با معصوم را داراست. عالمان ربانی و فقیهان مرتبط با هدایت امام حیّ (عج)، نقش‌شان همین رسیدگی عقلانی و اتصال به انوار هدایت و قدرت تفقه، استنباط و اجتهاد صحیح است و آنان حاملان و راه‌گشایان پاسخ‌های اصیلند. بدیهی است که ماتن گناهکار این متن، از چنین داعیه‌ای کاملا مبری است و تنها می‌خواهد به مصداق و نمونه‌ای از این وضعیت سیاه قضاوت و داوری ناعادلانه و متکی بر دروغ، وانموده و بازی شرارت بار قضاوت در قلمرو کفر، نفاق و قدرت‌های متفرعن جهان حاضر خصوصا علیه جمهوری اسلامی اشاره کند که نمونه یاد شده و مصداق اغواگر آن، همین دادگاه حمید نوری است، به سردمداری سازمان سیا و موساد و بازیگری سوئد و فرقه دوزخی و وحشی منافقین و نمایش سراپا نفرت‌انگیز و وقاحت‌بار تعویض جای ظالم و مظلوم و جلادان مهاجم قانون ستیز با انقلابی ترور شده و زخم خورده در حال دفاع از زندگی قانونیش. ما حق نداریم این رخدادهای تاکتیکی در مسیر استراتژی قدرت جهانی نظام کفر محارب با حق تعالی و همه شعاع‌های حقیقت در جهان کنونی و در پیشاپیش همه علیه حقیقتی نورانی به اسم انقلاب اسلامی و امام خمینی رهبر بلامنازع آن و نظام برساخته‌ای را که بنا نهاده، همان گونه ببینیم که غرب و شرق می‌بیند و دنباله روانه همان رفتار را پیشه کنیم که آنان به پایان می‌برند. نظام فرعونی/ شیطانی حاضر پس از به سرانجام رساندن و رسیدن به اهداف تاکتیکی‌اش، هر ماجرای تاکتیکی را پشت سر می‌گذارد و به سراغ حرکت تازه در ادامه آن می‌رود و قطعه‌ای نو از پازلش را می‌چیند و اما دنباله‌روان همیشه اسیر منفعل بازی او، واکنش‌هایی را از خود بروز می‌دهند که او حسابش را کرده و طلب می‌کند و به این ترتیب در بازی وانمودگی اش به بازیگر دلخواهش بدل می‌شوند. ما طبق دانایی و روش عقلانی قرآن حکیم و با پیروی از وحی و کلام... و هدایت معصوم علیهم السلام و با استعانت از جان زنده عصر امام زمان (عج) باید با شناخت درست موضوع، از اعمال استکباری و گیم شیطانی و وانموده‌های پایان ناپذیر ضد حق این نظام کفر و نفاق امکانی برای بسط معرفت و مقاومت و انجام تکالیف شرعی و عقلی سود جوییم و با هدایت رهبری اهل ایمان و تقوی و دانا به حقایق و عامل به اوامر الهی و زمان‌شناس و مدبر حاصل شناسایی خود را به عمل آگاهانه و صالح ارتقا دهیم.

منافقان را رسوا کنید

به نظر من کارمتخصصان مؤمن، حقوقدانان و سیاست‌شناسان و جامعه‌شناسان و متخصصان حقوق بین‌الملل و تاریخ معاصر بعد از هریک از دادگاه‌هایی نظیر دادگاه حمید نوری و کلا در برخورد به انواع توطئه‌های جهانی علیه ما و مسلمانان جهان باید تازه شروع می‌شود. واکاوی جلسات و روند دادگاه و افشای روند توطئه، دلایل ظالمانه بودن و غیرقانونی بودن، افشای اهداف پنهان، حتی مغایرت آن با حقوق بین‌الملل بنا به بررسی متخصصان حقوقی مبرز، برای آگاهی مردم ما بس مهم‌تر از برخورد گذرای ژورنالیستی است افشای نقش پلشت بازیگران جنایت‌پیشه که در نقش شاکی و دستیاران مخفی و علنی دادستان و رئیس دادگاه و ابزار اربابان قدرت و شیطنت و کارگزاران سیا و موساد و مشاوران ربّ فرعون صفت خود عمل می‌کنند، اهمیت انکار ناپذیری دارد. جای نادره مرد رسانه و ارتباطات بین المللی او باید پر شود و با آمیزه‌ای از روح عمل آوینی وار و طالب زاده وار، باید نیروهای جهانی حق طلب را در این برنامه‌های پر شور و معرفت‌افزا برای مردم ما و مردم عدالتخواه جهان گرد آورد. استفاده از همه نیروهای آگاه داخلی و کسانی از ایرانیان که در خارج هستند و شرف دفاع از حق دارند باز اهمیت بیشتری دارد. تازه بس مبرم‌تر در امر کنش‌مندی است. چرا دادگاه‌های غیابی درباره انواع جنایتکاران جهانی علیه ایران از ریگان و بوش و کلینتون و نتانیاهو و وهابی‌ها و ...و همدستان وحشی و فراری شان از تک‌تک منافقان تشکیل نمی‌شود و نه دادگاه فرمایشی بلکه واقعی و جزییات عمل شان در برابر ملت ایران بازخوانی نمی‌گردد؟ و پروژه‌های پی در پی شیطانی با شیوه‌های جذاب رسوا نمی‌گردد تا بینندگان جذب شده به حقایق در ایران و منطقه جهان ببینند ملت ایران با چه ددمنشی روبه‌روست؟!

این بازی ادامه همان گیم طورانی است که قصد عوض کردن جایگاه ظالمانه و جنایت‌کار و خیانت بار منافقین را با واقعیت مبرهن مظلومیت جمهوری اسلامی دارد و پشت لفاظی‌ها و بازی‌های حقوقی سناریوی اصلی به اجرا می‌آید: سناریوی مسخ و براندازی با تحریک کل ملت به‌وسیله مسموم کردن تدریجی روح و ذهن آنان و اسیر شیطان وانموده و اغوا کردن‌شان و فراموشی امر عینی و مستندات خشونت بی سابقه یک جهان کفر، نفاق و فساد، علیه انقلاب اسلامی برای نابودی این ثمره طیبه، با سردمداری آمریکا و یاری انگلیس فرانسه و اسراییل و نوکری صدام و آل سعود و محوریت پادویی تروریستی فرقه رجوی.

بیژن

گیم شیطانی

این نوشته گام دعوت به برخورد غیر خرده‌کارانه و اصولی‌تر به بازی مستمر جنایت‌کاران علیه ماست. اجازه دهید به دادگاه سوئد از این زاویه بپردازیم: گیم شیطانی بحران‌های افزایشی، برای انهدام انقلاب الهی در نقطه استکهلم نمایشی است با سه بازیگر:

۱-سوئد به نیابت از کفر و قدرت فرعونی جهانی و دشمن اسلام و انقلاب اسلامی

۲-منافقین، یعنی فرقه رجوی، همان سازمان مجاهدین خلق امروزی که به ابزار دریده و درنده و مزدور نظام ظلم و کفر جهانی بدل گشته است و مسؤول جنایتکارانه‌ترین شکل تروریسم وحشی برابر انقلابی الهی به رهبری امام خمینی (ره) و خیانت به ملت ایران و همدست صدام در کشتار مردم کرد و شیعیان عراق است.

۳-و کارمند قوه قضاییه دهه شصت، حمید نوری (حمید عباسی) در جایگاه متهم که در این نمایش نقش نمادین جمهوری اسلامی را دارد و در واقع محاکمه او بهانه‌ای است برای ادامه جنگ کفر و نفاق با انقلاب اسلامی و ایجاد جو متهم کننده بر اساس وانموده خشونت و جنایت در جمهوری اسلامی.